



سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران و جایگاه راهبردی آن در نظام بین الملل

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

چکیده:

واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی از نظر بین المللی در واکنش به ساختار نظام بین الملل و توزیع ناموزون قدرت میان کشورها رخ داد؛ زیرا انقلاب ایران، ضد ساختاری بوده و از همان ابتدا با مداخله قدرت‌های خارجی در ایران به مقابله برخاست. این پژوهش با طرح این سؤال که انقلاب اسلامی ایران چه جایگاه راهبردی در نظام بین الملل دارد، به این فرضیه رسیده است که انقلاب اسلامی توانست ضمن برقراری پیوند بین سطوح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین المللی، پیوند درونی سیاست داخلی و سیاست خارجی را به منصفه ظهور رساند. این مهم ناشی از درک افزایش تعامل و ارتباطات میان ملت‌ها در نظام بین الملل مبتنی بر وابستگی متقابل و نیز تأکید جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت خودآگاهی بشری با توجه به رسالت جهانی انقلاب بوده است. انقلاب اسلامی باعث تحکیم و تقویت جنبش عدم تعهد و شکل‌گیری عدم تعهد واقعی گردید، ایده بلوک اسلامی مستقل را مطرح ساخت، و باعث اوج‌گیری جنبش‌های اسلامی در نظام بین الملل گردید. این مقاله با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی، منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی ایران، نظام بین الملل، منطقه خاورمیانه، جنبش‌های اسلامی.

مقدمه

با تحولات در عرصه بین‌المللی و جابجائی در مراکز قدرت، همه دولتها در صدد هستند تا نقش بیشتری در شکل‌گیری تحولات ایفا نموده و جایگاه شایسته‌ای در صحنه جدید بین‌المللی بدست آورند. گسترش ابعاد انقلاب اسلامی ایران باعث شده است تا مطالعات زیادی در ارتباط انقلاب اسلامی ایران صورت گیرد که به‌طور کلی می‌توان آنها را در چهارزمینه: چپستی، چرایی، چگونگی وقوع و آثار انقلاب اسلامی خلاصه کرد. باگذشت ۴ دهه از پیروزی انقلاب اسلامی زمان آن رسیده است که با نگرش واقع‌بینانه به بررسی بازتاب انقلاب اسلامی (تأثیرات، پیامدها و دستاوردها) پرداخته می‌شود. این پژوهش در پی آن است تا نشان دهد انقلاب اسلامی ایران چه جایگاهی بر نظام بین‌الملل داشته و چه تأثیراتی گذاشته است؟ دریافت واقع‌بینانه ازجوانب مختلف انقلاب اسلامی ایران درگروشناخت آن در محیط فراملی و جهانی است؛ زیرا آنچه در ایران رخ داد در درون محیط دیگری بنام نظام جهانی قرار دارد و لازم است ارتباط انقلاب ایران با نظام بین‌الملل مطالعه شده تا بتوان به آثار و پیامدهای انقلاب اسلامی را فراگیرتری توجه نمود. همچنین بررسی موضوع پژوهش می‌تواند به بحث تأثیرات و بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کمک نماید و نشان دهد که چگونه راهبردهای انقلاب اسلامی ایران توانسته است بر سیاست‌های جهانی تأثیرگذارد. جمهوری اسلامی ایران همه تلاش خود را بکار گرفته تا در نظام پرآشوب بین‌المللی، با رهیافتی امیدآفرین، در جهت تامین منافع ملی، رفاه و امنیت و نیل به اهداف والای انقلاب اسلامی برگرفته از تعالیم بزرگ امام راحل و اندیشه‌های مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی فعالیت و اقدام نماید. دستگاه دیپلماسی در این مسیر، از همراهی، مشارکت و نگاه نقادانه نخبگان جامعه استقبال نموده تا در بستری گسترده و مورد اجماع به اهداف سیاست خارجی کشور نائل شد. از فرصت استفاده کرده و تاکید می‌نماید دستگاه سیاست خارجی مصمم است تا موضوعات مرتبط با سیاست خارجی را که پیوند ناگسستنی با منافع و امنیت ملی دارد در سطح کلان و ملی مورد توجه قرار داده و از ورود مناقشات سیاسی داخلی

به مسائل سیاست و روابط خارجی و دیپلماسی پرهیز دارد.

چارچوب نظری (جایگاه قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در قبال نظام بین الملل)

نای قدرت نرم را اینطور توصیف می کند: «توانایی یک کشور در واداشتن کشورهای دیگر به اینکه همان چیزی را بخواهند که او می خواهد و آن هم از راه جاذبه های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد. (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۶۸)

قدرت نرم ریشه در مکاتب فکری مختلف دارد. قدرت سخت بر اساس افکار واقع گرایی و نواقع گرایی توجیه می شود و قدرت نرم نیز به اعتقاد برخی، از رهیافت های لیبرالیستی نشئت می گیرد. در نگرش لیبرالی اصلی ترین بازیگر، تهدیدکننده و تهدیدشونده دولت نیست، بلکه محور اساسی سیاستگذاری، بازیگران غیردولتی هستند و جامعه مهم تر از دولت است. در نگرش لیبرالی، انسان ها موجودات پلیدی نیستند؛ بر این اساس انسان ها در جستجوی صلح هستند، پس دولت ها خیرخواه بوده و در نتیجه محیط بین المللی که متشکل از نمایندگان ملت هاست، هنجارگراست. (انعامی علمداری، ۱۳۸۷)

در سیاست (و به ویژه در سیاست بین الملل)، قدرت نرم توانایی مشارکت به جای اجبار (در تضاد با قدرت سخت) است. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل جهت دادن به ترجیحات دیگران از طریق ابزاری غیر از ابزار نظامی است. ویژگی آشکار قدرت نرم این است که اجباری نیست. ابزار قدرت نرم شامل فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست های خارجی است که می تواند بخشی از آن با کمک رسانه ها در انواع مختلف خود را نمایان کند. جوزف نای^۱ یکی از مشهورترین نظریه پردازان قدرت نرم است. از نظر نای، «اگر یک کشور بدون استفاده از قدرت نظامی، اراده و خواسته هایش را به کشور دیگر تحمیل کند و کشور دوم، این خواسته ها را عملیاتی کند این امر، قدرت نرم است که در مقابل قدرت سخت قرار می گیرد

¹ Joseph Nye

که نظامیان به دیگران دستور می‌دهد آنچه را که می‌خواهد انجام دهند» (Nye, 2012: 4).

قدرت نرم نه تنها توسط دولت‌ها بلکه توسط همه بازیگران در سیاست بین‌المللی مانند سازمان‌های غیردولتی یا نهادهای بین‌المللی قابل استفاده است. به گفته نای، قدرت نرم یک کشور بر سه منبع استوار است: «فرهنگ آن (در وضعیتی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی آن (زمانی که انتظارات داخل و خارج از کشور را به دلیل مولفه‌هایی که دارد برآورده می‌کند)، و سیاست‌های خارجی آن (زمانی که دیگران آنها را مشروع و دارای اقتدار اخلاقی می‌دانند. در این بین، قدرت نرم یک اشکال اساسی دارد. در واقع قدرت نرم زمانی با مشکل مواجه می‌شود که سیاست‌ها، فرهنگ یا ارزش‌ها به جای جذب دیگران، آنها را دفع می‌کنند. در این راستا می‌توان از سیاست خارجی انقلاب اسلامی ایران و جایگاه راهبردی آن در نظام بین‌الملل برای نمایش مثبت و واقعی افکار عمومی در جهان استفاده کرد.

در زمینه موضوع مورد پژوهش، انقلاب اسلامی ملت ایران آغازی برای برپایی حکومت جهانی اسلام است. موفقیت انقلاب اسلامی ایران و مستقر شدن مبانی و اصول آن و استمرار پیشرفت ایران و مواضع برحق آن در حمایت از مظلومان و مقابله با استکبار بوده است و نظام سلطه امروز با همه توان، یک جبهه پیچیده فرهنگی و مقابله با ایران سازماندهی کرده است. به هر روی انتظام دادن به تمدن نوین اسلامی بایستی مبنای همه برنامه ریزی‌های کشور باشد؛ ولی نوع راهبرد فرهنگی و علمی در خارج از کشور، باید متأثر از هدف کلی نظام (تمدن سازی نوین اسلامی) باشد. (حاجی زاده، ۱۳۹۸: ۲۰۸)

ویژگی های نظام بین الملل

به طور کلی می‌توان دو دیدگاه اصلی را نسبت به نظام بین‌الملل از یکدیگر متمایز کرد. دیدگاه‌های جریان اصلی شامل دیدگاه‌های نئورئالیستی و نئولیبرالیستی و دیگری دیدگاه‌های جریان غیر اصلی و یا معنا گرای رشته که مهم ترین نماینده آن را می‌توان الکساندر ونت از مکتب سازه انگاری دانست. این در حالی است که از نظر ونت نئورئالیست‌ها فرض را بر این

می‌گذارند که نظام‌های بین‌المللی صرفاً از رقبا شکل گرفته‌اند؛ اما ونت معتقد است که در یک نظام بین‌المللی می‌توان سه نوع رابطه اجتماعی ارائه داد: حالت دشمنان که در این حالت دشمنان با قدرت تهدید کنندگی بسیار بالا هیچ حد و مرزی برای اعمال خشونت علیه یکدیگر قائل نیستند، حالت رقبا که در این حالت ممکن است دولت‌ها به عنوان رقیب یکدیگر برای پیشبرد منافعشان از خشونت نیز استفاده کنند، اما هیچ گاه به کشتن دیگری متوسل نمی‌شوند و سرانجام حالت دوستان که دولت‌ها به عنوان متحدان یکدیگر برای حل و فصل مناقشه‌ها از راه‌های مسالمت‌آمیز استفاده می‌کنند و به عنوان یک گروه علیه تهدیدات امنیتی با یکدیگر همکاری می‌کنند. در مقابل این دیدگاه لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها با این آغاز می‌کنند که نظام‌های بین‌المللی صرفاً از بازیگران دولتی و غیردولتی خودپرست، عقلانی و اقتصادی تشکیل می‌شوند. نظامی که در کنار این بازیگران خردمند و عقلانی دارای نهادهای طراحی شده‌ای است که منطق و روال همکاری را آسان‌تر و کارآمدتر می‌سازند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳) برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام بین‌المللی این است که:

- عامل اصلی تشکیل دهنده و به وجود آورنده آن کشور است. با توجه به تصمیم گیرندگان و برگزیدگان سیاسی در پویش سیاست‌گذاری نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.
- گاهی محور و هسته اصلی نظام مزبور فقط دو یا چند کشور خاص است، که روابط و اعمال متقابل سایر کشورها راتحت نفوذ و تاثیر خود قرار می‌دهد.
- گاهی محور دیگر نظام بین‌المللی ثبات یا عدم ثبات و یا به تعبیر دیگر تغییرپذیری آن است. نظام بین‌المللی وقتی ثابت است که عاملین واجزاء متشکله نظام معلوم و مشخص بوده و رفتار و اعمال متقابل آنها قابل پیش‌بینی باشد. (بهزادی، ۱۳۵۲: ۵۲-۵۱)

جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل

ایران اسلامی تلاش کرده تا از راه و روش طرح این ارزش‌ها در روابط خارجی خود، افکار عمومی ملت‌های مورد ظلم و مستضعف جهان سوم راجهت تحول در نظام بین‌الملل

تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح شده را تبدیل به هنجار سازد. این ارزش‌ها می‌تواند به طرق زیر در الگوهای رفتاری و هنجار ظاهر شود. ایران، صدور انقلاب و تبلیغ ارزش‌های اسلامی را از وظایف خود می‌داند. تا برتصاویر ذهنی مخاطبان و الگوهای رفتار اثرگذار باشد. الگوهای مفهومی رفتار نیز در ارتباط با دومفهوم افکار عمومی و تبلیغات است. (نیک گهر، ۱۳۷۸: ۱۸۶)

رسانه‌ها می‌تواند به توسعه و شیوع الگوهای مفهومی رفتار از طریق ابزارهای گروهی کمک کند و بسیاری از ارزش‌ها و الگوهای رفتاری را جهت دهد. مهم‌ترین ویژگی تبلیغ تکرارکردن یک ارزش، عنوان یا پدیده و رفتار است. ایران نیز در سیاست خارجی خود با تکرار ارزش‌های مورد نظر خود از طریق مجاری اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی، زمینه‌آگاهی و اطلاعات افکار عمومی ملل محروم را افزایش داده و بر میزان تأثیرپذیری آنها از ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظرایران می‌افزاید. (رفیع پور، ۲۷۰:)

انقلاب اسلامی و راهبرد حمایت از حرکت‌های اسلامی در روند رویدادهای جهان اسلام تأثیر گذار بوده است؛ از آنجاکه جنبش‌های اسلامی در میان ملت‌های محروم از محبوبیت برخوردار است، می‌تواند در مقابل رژیم‌های ضعیف به مقابله برخیزد و به صورت یک منبع فشار بر سیاست داخلی آن کشورها درآید. ذات اسلامی بودن سیستم ایران موقعیت بهتری رادراختیار این جنبش‌ها قرار می‌دهد و از طرفی آنها می‌توانند قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر دولت‌های نامحبوب افزایش دهند. از سوی دیگر، شناسایی جنبش‌های اسلامی از سوی ایران به ویژه در دوره پایان جنگ سرد ناشی از نظام دوقطبی، این فرصت را در اختیار جنبش‌های اسلامی قرار داده است که خود را قطب غیرغربی جدیدی معرفی کنند. این جنبش‌ها از یک نظر نشان‌دهنده یک ایدئولوژی احیا شده هستند و همبستگی ایجاد شده خود هویت خاصی به ایران داده و قواعد مشخصی را برای رفتار و سیاست‌های آن پدید آورده است. تلاش ایران برای گسترش روابط با جوامع مسلمان بازتاب این جهت‌گیری اسلامی است. (همان: ۴۹۲-۴۹۱)

جمهوری اسلامی ایران در روابط بین الملل از طریق صادر کردن انقلاب، تبلیغات و الگو قرار گرفتن برای ملل مستضعف، آرمان ها را به هنجار تبدیل می سازد و در عمل از طریق مبارزه با نظام سلطه و مخالفت با حضور نیروهای خارجی در منطقه نه تنها هویت جدیدی را به امواج جهان سومی مخالف ساختار بین الملل موجود اعطا کند، بلکه سردمدار استقلال طلبی و راه سوم در جهان بین الملل موجود گردد. (ستوده، ۱۳۸۰: ۱)

رویکرد انتقادی این انقلاب به بنیادهای فکری غرب، آن را به عنصر دگراندیش نظام حاکم بر جهان دو قطبی معرفی کرد. (خرمشاد، ۱۳۹۷: ۵۲) بر این اساس، مفهوم عدالت و جایگاه آن در نظام بین الملل، درآموزه های انقلاب اسلامی نقش و اهمیت خاصی دارد. گرچه معنا و مفهوم برابری و عدالت می تواند در نزد صاحب نظران و سیاستمداران، قرائت های متفاوتی را به خود گیرد، اما به نظرمی رسد در ادبیات نظریه های انتقادی و پسامدرن، توجه به آنها از جایگاه خاصی برخوردار است و آن، مفهوم قبل از عدالت و برابری همواره مورد توجه حقوقدانان و آرمان گرایان و حامیان صلح بین المللی بوده است. (محمدی، ۱۳۶۵: ۱۲۱-۱۱۱)

تاثیرات انقلاب اسلامی بر نظام و روابط بین الملل

اهمیت انقلاب را دو جهت می توان مورد ارزیابی قرارداد: نخست آنکه این انقلاب، در منطقه ای به وقوع پیوست که در واقع از نقاط مهم رویارویی مقابله دو ابرقدرت شرق و غرب محسوب می شد، لذا معادلات موجود میان آنها را بر هم زد. (محسنیان راد، ۳۰۳-۴۱۸) در وهله بعد؛ انقلاب اسلامی؛ با ارائه ی تعریف مشخص از خود و بیان اهداف و رسالت ها گام برداشت و توانست تاثیرات عمده ای بر حوزه های مختلف اندیشه و عمل از خود بر جای گذارد. بازتاب ها و تاثیرات از سطح منطقه ای نیز پا را فراتر نهاد و نظام روابط بین المللی را نیز در بر گرفت. از جمله مهمترین تاثیرات انقلاب اسلامی بر نظام و روابط بین الملل، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تأثیرات انقلاب اسلامی بر بی اعتباری نظام دو قطبی حاکم بر جهان

اصل بنیادین نظام دو قطبی که هر کشوری ناگزیر است به یکی از دو ابر قدرت در جهان متوسل شود. با پیروزی انقلاب اسلامی، باچالشی جدی مواجه شد. درواقع انقلاب اسلامی ثابت کرد که پذیرش جهان دو قطبی، تفکر غلطی است و می توان آن را کنار گذاشت. دیگر اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی برخی از ترتیبات و نظام مندی های نظام دو قطبی برهم ریخت و با اضمحال مواجه شد. انقلاب اسلامی ایران در فضای دو قطبی حاکم بر نظام بین الملل، از جهاتی قابل توجه است. انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که از حمایت هیچ یک از دو ابر قدرت برخوردار نبود، بلکه انقلاب اسلامی تنها موضوعی بود که دویلوک در مخالفت با آن توافق داشتند. اصل «نه شرقی، نه غربی» در جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از اصول کلیدی انقلاب اسلامی بود.

تأثیرات انقلاب اسلامی بر گشایش جبهه دیگر در نظام بین الملل

انقلاب اسلامی ایران، به علت دارا بودن ذات ارزشی واجد بعد صدور بوده و با رویکرد و نگاه جهانی خود، جایگاه و مأموریت هایی را نسبت به دنیا برای خود ترسیم کرده و ضوابطی را به عنوان روابط خارجی خود انتخاب و در مسیر صورت گرفتن آنها قدم برداشته و برمی دارد که باعث شده انقلاب اسلامی، زمینه تأثیرات، تغییرات و تحولات گوناگونی بر نظام بین الملل باشد. از جمله مهم ترین این تأثیرات می توان به مواردی مانند: زیر سؤال بردن نظام سیاسی و کارکرد نظام بین الملل، مورد سؤال جدی قرار گرفتن اقتدار نظام سلطه در منطقه و جهان، فاقد اعتبار نمودن نظام دو قطبی حاکم بر جهان و ارائه راه سوم، جهانی سازی مبارزه با صهیونیسم، تغییر راهبردهای منطقه ای دو ابر قدرت، فروپاشی اتحاد شوروی، خیزش اسلامی در منطقه و جهان، اشاره کرده. انقلاب اسلامی، همچنین با ارائه دستورالعمل ها و راهبردهایی همچون دعوت از افکار عمومی برای رجوع به ارزش های اصیل، بیان آثار سوء و مخرب سلطه قدرت های استعماری بر جوامع، اقدام به «ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم ستیزی و

نفی سلطه در جهان» کرد و به ملت های مسلمان این حقیقت را بیان کرد که تنها بازگشت به دین و ارزش های اسلامی است که می تواند علاج مسائل و تأمین کننده مصالح آنها باشد. در مقابل، قدرت های ضد انقلاب و سلطه گر (طرفدار وضعیت موجود به نظام سلطه) بلافاصله درصدد برآمدند تا از گسترش انقلاب اسلامی جلوگیری به عمل آورده و در صورت امکان، حتی انقلاب اسلامی را نیز نابود نمایند که این تقابل همچنان وجود دارد.

تاثیرات انقلاب اسلامی بر تحول در نحوه توزیع قدرت بین بازیگران

انقلاب اسلامی، باگشودن جبهه ای ثالث در نظام بین الملل براساس «سیاست نه شرقی نه غربی» و دمیدن روحیه ایدئولوژی تهاجمی به جنبش عدم تعهد، توانست در معادلات سیاسی منطقه ای و بین المللی تغییراتی نماید که برخی از آنها ذیلاً اشاره نمود.

الف- فعال سازی جنبش عدم تعهد

انقلاب اسلامی با رویکردی تهاجمی به شرق و غرب توانست در نظامی دوقطبی منعطف آن زمان به جنبش عدم تعهد حیاتی دگر بخشد به گونه ای که جنبش غیرمتعهدها، که تا آن زمان بازیگری غیرمطرح در نظام بین الملل بود، سامانی دگر یافت و با خروج از موقعیت انفعالی به دلیل برخورداری از ایدئولوژی تهاجمی علیه سیاست های سلطه جویانه شرق و غرب به عنوان بازیگری فعال مطرح گردید. انقلاب اسلامی با اتکا به شالوده های استوار و نظریاتی فراگیر و با برخورداری از پیمای جهانی و تاثیرگذاری شگرف و بزرگ در سطح جهان، منشاء تاثیرات و تحولات عمیق در نظام بین الملل آن زمان گردید به گونه ای که جبهه ای ثالث در روابط بین الملل گشوده شد و نظام دوقطبی منعطف به انعطاف بیشتری سوق یافت.

ب- برقراری پیوند بین سطوح تحلیل داخلی، منطقه ای و بین المللی

انقلاب اسلامی بر لزوم تغییر سطوح مختلف و زمینه های گوناگون فرهنگ هماهنگ با

رسالت علمی وهدف های اجتماعی پای فشرد ودرعین حال بانگرشی تعاملی به همپیوندی، هماهنگی وپیوستگی مقوله ها و حوزه های سیاست، اقتصاد، فرهنگ واجتماع، ارتباط متوازن وهم سطح بین موضوعات مختلف بین المللی را آشکار کرد. شاید پیوند بین سطوح مختلف تحلیل را بتوان ناشی ازهنجارسازی تلفیقی انقلاب اسلامی مبتنی بر پیوند بهینه سنت ومدرنیته، جمهوریت واسلامیت، دنیا وآخرت، آزادی وعدالت، ارزش وروش، دیانت و دین ودولت، دولت وملت، روشنگری و دینداری، مدنیت وتدین، علم ودین فیزیک ومتافیزیک وبه طورکلی توسعه مفاهیم اجتماعی و سیاسی دانست که حاکی ازان است که انقلاب اسلامی درحوزه علوم انسانی وجامعه شناسی روابط بین الملل، مبدع و عرضه کننده پارادایم جدید چترگونه و فراگیر بود.

ج- برقراری توزیع قدرت بین معنویت گرایی و دنیوی گرایی

انقلاب اسلامی، با تأکید بر اسلامگرایی مبتنی بر باورهای اجتماعی و رفتارهای فرهنگی، به مقابله با دنیوی گرایی، دین ستیزی، هویت زدایی و تهاجم فرهنگی غرب پرداخت وبدین ترتیب دوجریان فکری جدید را در روی هم قرارداده توضیح اینکه قبل ازیپروزی انقلاب اسلامی، قدرت بین دو ایدئولوژی کاپیتالیستی وکمونیستی توزیع شده بود امام (ره) انقلاب اسلامی با شالوده شکنی تفکرات کمونیستی وسرمایه داری وتلقی آنها به عنوان مکتب های مادی گرا، دنیوی گرا و غیرمنطقی با فطرت معنویت گرای بشری، آنها را درجبهه های واحد قرار داد و با تاکید برعدالت وحق طلبی خواستار نظام بین الملل فارغ از سلطه قدرت های مادی گرا گردید.

د- آشکار سازی شکاف بین استکبار و استضعاف

انقلاب اسلامی با برملاساختن توافق ضمنی قدرت های بزرگ شرق وغرب برای تقسیم کشورهای جهان سوم به حوزه های باتوجه به تبانی های پشت پرده، نفوذ، دست وفرو

دست، شکاف عمده را بین کشورهای فرا عنوان کرد و نه شرق و غرب، بدین معنا که کشورهای فرادست سعی دارند هم عوض و هم معوض را از این طریق به نهادینه سازی زان خود کنند تا سلطه ساختاری بر ممالک مستضعف مبادرت نمایند. این نکته موجب شد که ضمن تضعیف بلوک بندی های شرق و غرب، نوعی دسته بندی جدید در نظام بین المللی شکل گیرد، مضافاً آنکه قدرتهای بزرگ مجبور شدند برای مقابله با این حرکت نوین به تبانی بیشتر در عین شفاف سازی اقدام نمایند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی علاوه بر احیای منزلت ایران و بازسازی هویت ایرانیان، ایران را در جغرافیای جهان سربلند ساخت. برای جهان اسلام در وهله اول و برای جهان مسیحیت در جغرافیای جهان پیام والهامات نظری و عملی در بعد زندگی سیاسی و اجتماعی به ارمغان آورد. از این رو کارکرد انقلاب در سه حوزه داخلی، منطقه ای و جهانی به اختصار مورد اشاره قرار می گیرد.

الف- دستاوردهای نظام اسلامی برای سیاست خارجی ایران

محمدرضا پهلوی که برای جلب بیشتر آمریکا در چارچوب به اصطلاح مدرنیته کردن کشور اقدام به اجرایی کردن سیاست های لائیسیم و جابه جاکردن ارزش ها و هنجارهای ملی و مذهبی کرده بود و در روابط خارجی نیز با اطاعت محض از سیاست های کاخ سفید ستون فقرات استراتژی ها، پیمان های سیاسی و امنیتی واشنگتن در آن زمان به شمار می آمد.

ب- قطع رابطه با رژیم اشغالگر قدس و طرح استراتژی جدید

در بحران های زنجیره ای پس از ۱۱ سپتامبر در حالی که در قرضیه افغانستان سکوت مرگباری بر جهان حاکم بود و دیپلماسی جهان چشم به کاخ سفید داشت و جهان یکپارچه

سیاست دنباله روی را پیشه کرده بود. آیت الله خامنه ای رهبرانقلاب اسلامی در یک موضع حکیمانه و مستقل و با لحاظ اصل عزت و مصلحت نظام، فضا را شکستند و جهان را به حیرت واداشتند و راهبرد انحصاری بوش را مبنی بر اینکه کشورها یا با ما هستند یا علیه ما را با اعلام این راهبردها که ما نه با شما هستیم نه با تروویست ها به چالش کشیدند.

ج- شکست سیاست های سلطه طلبانه آمریکا

شکست سیاست های سلطه طلبانه آمریکا و ایستادگی و پایداری درمقابل فشارهای غرب به ویژه آمریکایی دیگر از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است. ناکامی درسیاست تحریم آمریکا علیه ایران، چالش و ناکامی در استراتژی نظم نوین آمریکا در جهان پس از فروپاشی بلوک شرق، شکست طرح های آمریکا در خاورمیانه، در حوزة دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز، عدم دستیابی به اهداف اساسی در حمله به افغانستان و عراق و... از جمله سیاست های تأثیرگذار انقلاب اسلامی در منطقه و سطح جهانی است.

تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران به دلیل داشتن ریشه دینی و تاریخی مشترک با جهان اسلام و کشورهای اسلامی، توفیق در براندازی نظام شاهنشاهی و استقرار دولتی دینی و طرح اندیشه وحدت دنیای اسلام و احیای اسلام و ارائه چهره های ظلم ستیز و مظلوم پناه، به طرق مختلف و با ابزارها و روش های گوناگون، کشورهای اسلامی را به نحو ملموس متأثر نموده است. جهان اسلام و کشورهای اسلامی چون رنگ و بوی آثاری از جنبش ها و آرمان های خود را در انقلاب ایران مشاهده می کردند، مانند آشنایی دیرینه از آن تأثیر گرفته اند.

تأثیرات انقلاب اسلامی بر فرایندهای نظام بین الملل

تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست اسلامی

اسلام، دینی توحیدی و جهانی است؛ در این جهان بینی، حیات دینی قدرت سیاسی به شدت درهم می آمیزد. پیوند دین و سیاست، ویژگی بنیادین دولتی بود که در مدینه به رهبری حضرت محمد(ص) بنیان گذاشته شد. امروزه اسلام سیاسی برای توصیف جریان های سیاسی اسلام به کار می رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. مفاهیم دیگری چون بنیاد گرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی نیز در توصیف برخی از جریان های سیاسی به کار رفته، اما

هیچ یک نمی تواند همانند مفهوم اسلام سیاسی به صورت فراگیر، گروه های سیاسی اسلامی اسلام گرایی را در برگیرند. اسلام گرایی نیز مفهوم مشابه با اسلام سیاسی دارد و معمولاً آنها را به یک معنا به کار می برند. (رحین اغصان، ۱۳۸۴: ۱۲۵) البته به نظری می رسد اسلام گرایی نسبت به واژه اسلام سیاسی مفهومی خنثی و غیر جانبدارانه است؛ زیرا در تعبیر اسلام سیاسی نوعی ذهنیت سکولار نسبت به دین نهفته است که دین را به سیاسی و غیر سیاسی تقسیم می کند. اما در کل، در بین واژگانی مناسب هستند. اسلام سیاسی را می توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی «حکومت اسلامی» نظم یافته است. این گفتمان بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است که اسلام از نظریه های سیاسی صرفاً متکی بر خرد انسانی، برتر است و حکومت اسلامی نیز به همین دلیل از دیگر نظام های سیاسی موجود ارجحیت دارد. هدف نهایی در این گفتمان، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه، به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه ای ضروری تلقی می شود. (بهرز لک، ۱۳۸۶: ۲۵)

تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن مسلمانان

از آنجاکه انقلاب ایران مبتنی بر ایدئولوژی اسلام به ویژه مذهب شیعه است و مشروعیت

خود را از دین الهی کسب می‌کند، بانظم بین المللی مبتنی بر سیاست قدرت در تضاد است. هدف های انقلاب اسلامی نیز که مبتنی بر فرهنگ دینی است، برای جهان غرب غیرمنتظره بود و کشورهای که با ایدئولوژی‌هایی مانند لیبرالسم و سوسیالیسم در نظام بین الملل خو گرفته بودند، به هیچ وجه رویکرد دینی با احیای سنت سیاسی اسلام بدین برایشان قابل هضم نبود. بدین ترتیب، رخداد انقلاب اسلامی با ماهیت دینی باعث غافل‌گیری صاحب نظران، دولت‌ها و نخبگان سیاسی شد». (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۲۶۸)

دلایل اثرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی را می‌توان این گونه برشمرد:

۱- تأثیر امام خمینی (ره) بر مسلمانان از جنبه اسلامی بی‌نظیر است. در واقع، از قرن پانزدهم در دنیای غرب و شاید کمی پس از صدر اسلام، شخصیتی را نمی‌بینیم که به این اندازه نهضت، افکار و عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان اعم از جهان غرب، جهان شرق و جهان اسلام تأثیر گذاشته باشد.

۲- امام خمینی (ره) مفهوم و معنای قدرت را در سطح جهانی و نیز در جهان اسلام تغییر داد؛ پس از انقلاب اسلامی ایران بر جهان معنا و تعریف قدرت، از تکیه بر منابع مادی به معنوی همچون عقاید، پرورش افکار و اطلاع‌رسانی تغییر یافت.

۳- در قرون گذشته یک شخصیت دینی و علمی که به پا خیزد و ملتی را رهبری کند و همه، حتی مخالفانش، مشروعیت و مقبولیت او را کاملاً تصدیق کنند، دیده نشده است. در واقع، می‌توان گفت: مشروعیت سیاسی و دینی امام (ره) در سطح جهان و در قرون اخیر بی‌نظیر بود. (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۵)

۴- با مطالعه زندگی رهبران نهضت‌های گذشته درمی‌یابیم هیچ یک از آنها نتوانسته‌اند همچون امام خمینی (ره) ارتباطی صمیمانه و مردمی با مستضعفان و دیگر طبقات اجتماعی در ایران برقرار سازند یا مانند ایشان پیام‌های قرآنی را به زبان بسیار ساده به توده‌های مردم برسانند. (پارسانیا، ۱۳۷۶: ۳۷۶)

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر انتشار اندیشه مردم سالاری دینی به خارج از مرزهای ایران

اگرچه انقلاب اسلامی ایران در نقطه ای خاص از جهان به وقوع پیوست ولیکن پیام آن، که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به علت ماهیت فرا جغرافیایی، نقش مهمی در شکل گیری نظم سیاسی امنیتی در سطح جهانی و منطقه ای ایفا کرده. قسمتی از این تأثیرگذاری ها در زمینه مبارزه با غلبه نیروهای غیر بومی بر سرنوشت ملت ها بود که به جنبش های آزادی خواهانه و جهادگرایانه انجامید. اما علاوه بر این توانست اندیشه حق تعیین سرنوشت را نیز در کشورهای اسلامی بگسترده.

الف: بی اعتباری دموکراسی لیبرال و ترویج مردم سالاری دینی

پیروزی انقلاب اسلامی تنها به مثابه فروپاشی سلطه همه جانبه صهیونیسم و امپریالیسم انگلس و آمریکا بر ساختارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ایران بود. رویکرد سلطه ستیزانه انقلاب اسلامی نسبت به امپریالیسم و صهیونیسم نیز تنها به محدوده مرزهای ایران منحصر نشد بلکه ابعاد منطقه ای و فرامنطقه ای پیدا کرد و نظم استعماری موجود بر منطقه و خصوصاً جهان اسلام را به مبارزه می طلبید. به واقع، نقشه سیاسی بیشتر کشورهای خاورمیانه ترسیم مرزها و تعیین رژیم حاکم توسط سیاست های بریتانیا وارد یک فضای سیاسی پرنوسان قبیله ای شد که با ظهور و سقوط مکرر قبایل همراه بود. به زعم اینکه ایالات متحده به طور اعلامی از گسترش دموکراسی در سراسر جهان حمایت کرد، اما چنین سیاست هایی را در جهت پیشبرد دموکراسی در منطقه خاورمیانه دنبال نکرد. (اسپوزیتو، ۱۳۸۰: ۲۷۶)

ب: مشروعیت زدایی از حکومت های مطلقه در جهان اسلام

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی منطقه خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس کمترین تأثیر را از موج های دموکراتیک سازی پذیرفته بودند. بانمود امواج انقلاب اسلامی که بر پایه مشارکت و خواست عمومی مردم ایران شکل گرفت، خواست عمومی به عنوان یک رکن موثر و قادر به

ایجاد تغییردرمیان مردم این کشورها مطرح شد و در نتیجه رژیم های این منطقه با کاهش شدید مشروعیت، مواجه شدند که برای جبران بی ثباتی خود در داخل، به دامن قدرت های خارجی پناه بردند. به علت ضعف ساختار جامعه مدنی در این کشورها، چالش ناشی از کاهش مشروعیت، تنها به ارائه درخواست هایی از حاکمان این کشورها محدود شد. البته باید پذیرفت ویژگی ذاتی رژیم های اقتدارگرا مخالفت با ارزش های دموکراتیک است، به گونه ای که در صورت هرگونه پذیرش یا تسلیم به این ارزش ها، رژیم اقتدارگرا خود را در سراسیمه سقوط خواهند دید.

مهم ترین پدیده ای که در پی پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست این بود که پایه مشروعیت این حکومت های خودکامه را به عرضه درآمد و آنها را با مهم ترین بحران، یعنی مشروعیت روبرو ساخت. گویی فروپاشی رژیم سلطنتی در ایران زنگ خطر فروپاشی را برای آنها به صدا درآورد. البته اگر بخواهیم بر مبنای جامعه شناسی سیاسی به بررسی ای موضوع پردازیم، درخواهیم یافت که واقعیت نیز چنین بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد تا از حکومت های خودکامه ای که در منطقه خاورمیانه با تکیه بر سنت های قبیله ای و استفاده ابزاری از ارزش های اسلامی و با کمک همه جانبه استعمارگران بر ملت های خود حکومت می کردند، مشروعیت زدایی شود. از این رو، این کشورها اصلاح سیاسی و نهادی نظام های خود را تنها راه برون رفت از این وضعیت می دیدند. این وضعیت در کلیه کشورهای منطقه قابل مشاهده است.

ج: آگاهی بخشی در جوامع اسلامی

در منظومه فکری امام خمینی (ره) به عنوان خالق و پردازشگر گفتمان انقلاب اسلامی ایران، خودآگاهی و بازگشت به خویشتن مفاهیمی محوری هستند. ایشان بر این اعتقاد بودند که لازمه بروز یک انقلاب عمیق اجتماعی - ارزشی، تربیت و پرورش نسلی از مردان و زنان خودآگاه است که نسبت به وضعیت و جایگاه تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ادراکی

صحیح داشته باشند.

از دیدگاه امام، عامل بهروزی و استقلال یک کشور و مانع گسترش سلطه طلبی قدرت های بزرگ را می بایست در خودآگاهی و خویشتن جویی دانست؛ زیرا هیچ نحو استقلالی حاصل نمی شود، الا اینکه ما خودمان را بشناسیم. امام (ره) وابستگی فکری را موجب از خودبیگانگی و غرب زدگی می دانست که هردو ریشه در جهل به استعداد های فعلی خود و ناآگاهی نسبت به هویت فرهنگی، میراث تاریخی و پشتوانه شخصیت ریشه دار تاریخی دارد. (اشرف نظری و سازمند، ۱۳۷۸: ۱۱۵)

این ناباوری و خود کم بینی در بین بسیاری از گروه های مبارز و مسلمان غیر ایرانی که در سراسر جهان به مبارزه مشغول بودند، وجود داشت. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، آنان به این نیرو و پتانسیل قوی موجود دست مسلمانان آگاهی و شناخت کافی نداشتند و لذا از انگیزه های دیگری استفاده می کردند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها از نظر تئوری، بلکه عملاً اثبات کرد که انگیزه های غیردینی و غیر اسلامی کارایی لازم را نداشته و انگیزه ای ناکافی برای رسیدن به سر منزل مقصود، مخصوصاً برای نیروهای مبارز مسلمان هستند. این انقلاب، تاییدی بر قدرت فوق العاده انگیزه اسلامی و خط بطلانی بر سایر انگیزه ها بود.

بصورت کلی موج اسلامی دموکراسی واقعیتی است که در اثر انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ متولد شده است و پیشروی خود را در منطقه و جهان به طور نسبتاً موفق آغاز کرده است. موج اسلامی دموکراسی رقیبی جدی برای گسترش امواج دموکراسی لیبرال محور در مناطق جهان است. به همین دلیل تا حال حاضر علاوه بر اینکه پیشروی این امواج بی مانع نبوده است، این موانع در کوتاه مدت نیز متوقف نخواهد شد. بنابراین گسترش موج اسلامی دموکراسی با موانع جدی از سوی گفتمان رقیب مواجه خواهد بود. شاید یکی از نقاط قوت گسترش موج اسلامی دموکراسی هم در همین باشد که علی رغم موانع پیش رو همچنان حرکت خود را ادامه می دهد.

نتیجه گیری

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای تشکیل بر اساس آموزه های اسلامی با هدف گسترش عدالت، آزادی خواهی، برابری و صلح در جهان بنیان نهاده شد، بنابراین گسترش روابط با کلیه ملت ها و کشورهای جهان براساس احترام متقابل و منافع مشترک، نفی هر گونه سلطه گری و تأکید بر نهادینه شدن حقوق بین الملل، تلاش در جهت کاهش تشنج در منطقه و جهان، تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیر متعهد از جمله اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، حال و آینده به شمار می‌رود.

در عین حال این سیاست خارجی عقلایی مبتنی بر همکاری، مقابله با انزوا سعی میکند با تشویق به تقویت ساختارهای جهانی، نظام بین المللی را به گونه ای توانمند گرداند که توان اثر گذاری منطقی بر تحولات محیط بین المللی را داشته باشد. مقصود از اثر گذاری منطقی، نفی کاربرد زور در روابط بین الملل است که منشور ملل متحد نیز به آن اذعان دارد. افتخار ایران و جمهوری اسلامی ایران آن است که هیچ گاه در طول تاریخ تجاوزی را به کشوری صورت نداده، و همواره با وجود آنکه در کانون مطامع جهانی قرار داشته، اما در ترتیبات صلح آمیز جهانی نقش مؤثر و فعال داشته است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای پیچیدگیهای خاصی است که علت آن شرایط داخلی و محیطی است که ایران در آن قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران در حال تجربه تحولات مهم و عظیمی در داخل است. جامعه ایران در حال حرکت به سمت مردم سالاری دینی است. تحولاتی که ما اکنون در داخل با آن روبرو هستیم در منطقه منحصر به فرد است. ما به سمت جامعه ای حرکت میکنیم که در آن توسعه همه جانبه بر مبنای آزادی، مردم سالاری و دینداری اصل اساسی و محور آن را تشکیل میدهد.

در عین حال محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران که شاید حساس ترین محیط جهان باشد، سرشار از تهدیدات و فرصت هایی است که منافع و امنیت ملی ما را تحت تأثیر خود قرار میدهد. سیاستی که بتواند تهدیدات را دفع نموده و یا آنان را به فرصت تبدیل نماید

هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران است و قصد دارد تا به یک چنین سیاستی دست پیدا کند. سیاستی که همانگونه که اشاره کردم، مبتنی است بر عقلانیت، همکاری، و همزیستی که اصول عزت، حکمت و مصلحت را سرلوحه خود قرار میدهد و توانایی ایجاد تعادل و توازن و هماهنگی میان ایدئولوژی، پراگماتیسم و عقلانیت را در شرایط گوناگون را داراست. نظام جمهوری اسلامی ایران احترام متقابل را مبنا قرار داده و بر اساس آن حاضر است با تمامی کشورهای جهان، به غیر از رژیم صهیونیستی، همکاری و ارتباطی سازنده برقرار سازد. لازمه این امر پذیرش حاکمیت، احترام متقابل، و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر است که خود را به آن پایبند دانسته و امیدواریم دیگران نیز خود را به آن پایبند بدانند.

قانون اساسی برخاسته از انقلاب اسلامی ایران، اصول پنج گانه آرمانی، بنیادین و راهبردی را برای روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعریف کرد که بر اساس آن سیاست خارجی این کشور در چهل سال حیات خود تابعی بود از اصل آرمانخواهی واقع گرا و اصل تعامل فعال در نظام بین الملل.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر ملل آزادی خواه جهان دارای جنبه های گوناگونی است که بخشی از آن را می توان در قالب گرایش های فکری انقلاب اسلامی در ایران تبیین کرد؛ اما در بعد دیگری نیز انقلاب اسلامی بر جریان های آزادی بخش در سطح جهان به ویژه در جهان اسلام تأثیرگذار بوده است. امروز که چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، می توان تأثیرات عمیق انقلاب اسلامی را در ترویج افکار مرفعی اسلام به عنوان خاستگاه انقلاب اسلامی در سطح بین المللی مشاهده کرد. انقلاب اسلامی ایران خاستگاهی برای حرکت و تأثیرگذاری این بیداری روی دنیای اسلام شد.

از دیگر تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام منطقه ای می توان به نقش انقلاب اسلامی در بی اثر نمودن آمریکا در منطقه اشاره کرد. با ظهور انقلاب اسلامی پایه های اعتبار ایالات متحده در سه حوزه اقتصادی، نظامی - امنیتی و فرهنگی در منطقه متزلزل شد و این اعتبار متحمل ضربات شدیدی گردید. افزون بر تأثیرات، ظهور انقلاب اسلامی نوعی از توجه به

نقش مردم در مشروعیت بخشی به حکومت های منطقه را در میان این کشورها در پی داشت. ملت ایران با ارائه تجربه خود در براندازی نظام شاهنشاهی پهلوی و ایجاد نظامی مبتنی بر خواست مردم، نوعی امید و انگیزه را در میان مردم کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد نمود تا اسوه قرار دادن ملت ایران، گام های مثبتی را در جهت اصلاح نظام سیاسی خود بردارند. پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی در ایران، موج جدیدی از اسلام گرایی در میان مردم سایر کشورهای اعم از اسلامی و غیراسلامی به وجود آمد که بیشتر آن مدیون فعالیت ها و عملکردهای نظام جمهوری اسلامی در گستره بین المللی و جهانی است.

امروزه جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به یک وضع مطلوب در نظام بین الملل با فرصت ها و چالش هایی روبروست که البته نسبت به سال های قبل موقعیت و شرایط بهتری را فراروی انقلاب اسلامی قرار داده است.

منابع

- اشرف نظری، علی و بهاره سازمند (۱۳۷۸) گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- امیر احمدی، هوشنگ، ایران و خلیج فارس، دیدگاهها و مسائل استراتژیک، ترجمه جمشید زنگنه، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۷) تهدیدات نرم الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران. گزارش جمهور. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، شماره ۲۷
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۶) جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- بهزادی، حمید (۱۳۵۲) اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران: دهخدا
- پارسانیا، حمید (۱۳۷۶) حدیث پیمانه، قم، انتشارات معارف
- جان اسپوزیتو (۱۳۸۰) اسلام و جامعه مدنی در خاورمیانه، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران روزنامه سلام،
- حاجی زاده، سیروس (۱۳۹۸) مجموعه مقالات گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز/ عزت ملی و روابط خارجی (جلد اول)، اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز،
- حنفی، حسن (۱۳۸۶) اسلام سیاسی، ترجمه محمدحسن معصومی، مجله حکومت اسلامی، سال دوم، شماره اول
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۷) انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن بر نظام بین الملل، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۵، بهار، ۵۲-۳۱
- رحین اغصان، علی (۱۳۸۴) دانش نامه در علم سیاست، تهران: فرهنگ صبا
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۳)، درآمدی بر مهم ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین الملل، تهران: انتشارات تیسرا، چاپ یکم.
- ستوده، سیدمحمد (۱۳۸۰) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین الملل، علوم سیاسی، شماره ۱۶
- محمدی، منوچهر (۱۳۶۵) اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیرکبیر

- محمدی، منوچهر (۱۳۸۷) انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، قم: نشر معارف
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴) تأثیرات منطقه‌ای وجهانی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱، شماره ۲۶۸
- هالیدی، فرد سیاست بنیاد گرایی اسلامی در ایران چالش با دولت سکولار، ترجمه مرتضی بحرانی، مجله زمانه، شماره ۱۶
- Nye, Joseph (8 May 2012). "China's Soft Power Deficit To catch up, its politics must unleash the many talents of its civil society". The Wall Street Journal.
- Nye, Joseph S. (2011). The Future of Power. New York: PublicAffairs.
- Nye, Joseph S. (2017). "Deterrence and Dissuasion in Cyberspace". International Security. 41 (3): 44–71.